

نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر قرآن کریم

عباسعلی رستمی‌نسب*

زهرا شبستری‌نژاد راوری**

چکیده

تربیت مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شخصیت و هویت افراد است. برای داشتن تربیتی صحیح، توجه به محتوا و مربی حایز اهمیت است. از این رو، توجه به ارزش‌های استخراج‌شده، به عنوان محتوا، از منبع معتبری مانند قرآن، راه را برای رسیدن به این مهم هموارتر می‌کند. از سویی، اولین و مهم‌ترین مربیان برای انتقال این ارزش‌ها خانواده است؛ زیرا هر فرد، بیشترین و بهترین زمان آموزش خود را در آنجا می‌گذراند. قرآن نیز به عنوان کتاب هدایت، به نقش خانواده توجه نموده است. از این رو، این نوشتار با هدف بررسی نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر قرآن، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. مطالب لازم، با مراجعه به منبع اصلی، یعنی قرآن جمع‌آوری شده و سپس با توجه به تفاسیر و کتب مربوطه به تحلیل آنها پرداخته شده است. به نظر می‌رسد خانواده به عنوان اساسی‌ترین عامل تربیت، می‌تواند با بهره‌گیری از دستورات قرآن و عملیاتی کردن آنها در همه مراحل زندگی، در رسیدن به خانواده اسلامی و تحکیم بنیان خانواده گام‌های مؤثری بردارد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌ها، تربیت، تعلیم، خانواده، قرآن.

مقدمه

«به‌یقین تعلیم و تربیت، باارزش‌ترین و مهم‌ترین وظیفه آدمی به‌شمار می‌آید. والاترین و ارجمندترین انسان‌ها که همان پیامبران و جانشینان آنان هستند، در این طریق مبعوث‌گشته‌اند و سرچشمهٔ سعادت و رستگاری بشر را همواره در این عرصه جست‌وجو کرده‌اند» (باهر، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

دغدغهٔ تعلیم و تربیت و عوامل مؤثر در آن، همواره با انسان بوده است؛ زیرا «آگاهی از عوامل تربیت و بررسی میزان تأثیر هر یک از این عوامل، دست‌اندرکاران امر تربیت را کمک می‌کند تا بتوانند با توجه به میزان تأثیر آنها، برای تربیت بهتر، برنامه‌ریزی نموده و در فرایند تربیت برای هر کدام جایگاه ویژه‌ای قایل گردند» (www.noormags.com).

تعلیم و تربیت با امور زیادی سروکار دارد؛ اموری همچون روش تربیت، محتوای تربیتی، منابع تربیتی و... ارزش‌ها مهم‌ترین محتوا و برنامهٔ نظام تعلیم و تربیت را شکل می‌دهند که مهم‌ترین نهاد تربیتی، یعنی خانواده، با آنها رابطهٔ مستقیم دارد و به طور قطع از آنها متأثر است.

به قول دونالد باتلر، «تربیت بیش از هر نهاد دیگر با ارزش‌ها سروکار دارد و هیچ نهاد دیگری به اندازهٔ این نهاد به دنبال تحقق ارزش‌ها نیست» (www.Google.com).

یا اینکه «محتوای آموزش و پرورش را می‌توان مجموعه‌ای از ارزش‌ها تعریف کرد» (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸، ص ۲۵). از این‌رو، توجه به بحث ارزش‌ها و عوامل مرتبط با آن، مانند: عوامل مؤثر در کسب و انتقال ارزش‌ها ضروری و حایز اهمیت است. البته شناخت نسبت به ارزش‌ها و عوامل مرتبط با آن، باید با استفاده از منابعی موثق و معتبر صورت گیرد. بهترین و معتبرترین این منابع، قرآن کریم است که کلام وحی است و خالی از هرگونه تحریف می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (نساء: ۵۹)؛ هرگاه در چیزی نزاع کردید آن را به (کتاب) خدا و (سنت) پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

این تحقیق از سه جهت حایز اهمیت است:

۱. مرتبط بودن مبحث ارزش‌ها با تربیت: «ارزش‌ها در هر جامعه‌ای، اعتقاد یا فلسفهٔ کلی آن جامعه را به دست می‌دهد. ارزش‌ها به جهت‌دهی رفتار افراد و داوری‌ها در جهت‌گیری‌های آنان در ارتباط با امور می‌پردازد» (خلیفه، ۱۳۷۸، ص ۵). و این همان چیزی است که تربیت به دنبال آن است. تربیت می‌خواهد باورها و اعتقادات متریبان را جهت دهد تا گفتار و رفتار آنها در جهت رسیدن به اهداف تربیتی، شکل گیرد.
۲. اهمیت و نقش قرآن کریم در تربیت: شناخت ارزش‌ها و متولیان امر تربیت، از نگاه قرآن، به دلیل اعتبار و موثق بودن آن، ضرورت این تحقیق را دو چندان می‌کند. قرآن بهترین منبعی است که می‌توان از طریق آن ارزش‌ها را جست و با توجه به آنها به تربیت افراد پرداخت.
۳. اهمیت و جایگاه خانواده: «از آنجاکه یکی از اهداف تشکیل خانواده، کمک به اصلاح فرد و جامعه است و جامعه با وجود افراد صالح و متعهد پابرجاست، پس برای رسیدن به جامعه سالم و صالح باید از خانواده و در نتیجه، از تربیت فرزند شروع شود. و چون ارکان اصلی خانواده برای تربیت، پدر و مادر هستند، در نتیجه، بررسی نقش و مسئولیت آنها بیش از هر چیز لازم به نظر می‌رسد» (شهیری، ۱۳۹۱، ص ۳۶). «اختصاص حداقل ۱۵۰ آیهٔ نورانی در قرآن کریم و احادیث متعدد در این باره، نشان از تأکید دین مبین اسلام بر این نهاد مقدس دارد. و همین

۲. غلامرضا مدبرعزیزی در مقاله‌ای با عنوان «نقش خانواده در تربیت دینی»، ضمن اشاره به اهمیت نقش خانواده در تربیت، مواردی را که برای تربیت صحیح باید از طرف والدین مورد توجه قرار گیرند، برشمرده است؛ از جمله: ۱. پاک شدن و به حقیقت رسیدن پدر و مادر؛ ۲. کوشش در انعقاد نطفه پاک؛ ۳. تأثیر نام نیکو در تربیت دینی؛ ۴. نقش مادر در دوران شیرخوارگی و ...

۳. حسینعلی کوهستانی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش خانواده در تربیت فرزندان»، به عوامل تربیت، که خانواده مهم‌ترین آنهاست، اشاره کرده و رعایت اصولی را برای احراز این نقش، از جانب والدین ضروری دانسته است. از جمله اصول اخلاقی که ایشان مدنظر قرار داده است، می‌توان به «پرورش اعتماد به نفس فرزندان» و «جلب اعتماد آنها» اشاره کرد.

اما در ارتباط با موضوع تحقیق، یعنی «بررسی نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر قرآن کریم» تحقیقی یافت نشد، که این مسئله، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را دوچندان می‌نماید.

برای رسیدن به اهداف تحقیق، سؤالات زیر مطرح گردید:

۱. جایگاه خانواده در قرآن چیست؟
۲. توصیه‌های قرآن در مورد تربیت صحیح فرزند قبل و بعد از ازدواج چیست؟
۳. توصیه‌های قرآن در مورد تربیت صحیح فرزند قبل و بعد از تولد چیست؟

نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها

«خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و عقاید و باورهای خود را از آنجا کسب می‌کند. این محیط همواره مورد توجه دین

جایگاه مهم و اثرگذار خانواده است که در دنیای امروز، استکبار جهانی و صهیونیسم را بر آن داشته است تا از طریق گمراهی، فساد و انحلال خانواده (این نهاد اساسی)، نقشه‌های خود را عملی کنند (اسلاملو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶) و ارزش‌ها و عمل به آنها را در افراد تضعیف نمایند تا انسان‌ها را از رسیدن به آرمان زیبای خانواده قرآنی، که نویدبخش فضایی توأم با آرامش، پرتلاش و سرشار از امید است، دور کنند.

از این رو، بررسی نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها به عنوان یکی از اساسی‌ترین پایه‌های نظام تعلیم و تربیت از دیدگاه منبع موثقی همچون قرآن اهمیت و ضرورت دارد و مسلماً پایه‌های تربیتی را محکم‌تر می‌کند. بنابراین، تحقیق حاضر با عنوان «بررسی نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر قرآن کریم» انجام گرفته است.

مفاهیم و اصطلاحاتی نیز در این مقاله به کار برده شده‌اند، که به دلیل وضوح و تکرار در کتب مختلف، از توضیح آنها صرف نظر شده و فقط به آدرسشان اشاره می‌گردد: ارزش: (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۴)؛ خانواده: (معین،

۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۴؛ عیسی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۶)؛ تربیت: (علوی، ۱۳۸۶، ص ۳۹)؛ تعلیم: (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

در زمینه مباحث تربیتی و توجه به نقش عوامل مؤثر بر تربیت، هم کتب و هم تحقیقات فراوانی به رشته تحریر درآمده است که در ذیل، به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. علی همت‌بناری در تحقیقی تحت عنوان «امام علی علیه السلام و تربیت فرزندان»، به نقش عوامل وراثتی و محیطی در تربیت فرزند پرداخته است. به اعتقاد وی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سیره خود به هر دو عامل مزبور توجه داشته‌اند. آقاسی همت‌بناری، به عامل خانواده و دوستان به عنوان دو عامل مهم در تربیت، از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره نموده است.

مبین اسلام و بزرگان بوده است. نهاد اولیهٔ تعلیم و تربیت، خانواده است. در اینجاست که ارزش‌ها، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، از طریق پدر و مادر و سایر افراد بزرگسال خانواده به فرد انتقال می‌یابد» (نیکزاد، ۱۳۷۵، ص ۶۵).

«خانواده در اسلام جایگاه بلند و رفیعی دارد. این نهاد کوچک ولی مقدس، پایگاه عروج و کمال انسان‌ها و محیط تربیت و پرورش نهال فطرت و استعداد‌های نسل آینده است. خانواده مهم‌ترین رکن ترقی و تکامل یک جامعه است و چنان‌که خانواده‌ای در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های ارائه‌شده از سوی قرآن و سنت باشد، می‌تواند سهم بزرگی در پیشرفت و ترقی جامعهٔ خویش داشته باشد» (بیگی، ۱۳۸۹، ۳۵۵). از این رو، اگر توصیه‌های قرآنی مدنظر قرار گیرند، می‌توان افراد را در تربیت صحیح و القای درست ارزش‌ها یاری نمود. در آیات بسیاری از قرآن کریم به بحث خانواده (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) و نقش تربیتی آن اشاره شده است؛ از جمله: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف: ۵۸)؛ و سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این‌گونه، آیات را برای آنها که شکرگزارند بیان می‌کنیم.

در تفسیر این آیه آمده است: «کلمهٔ "نکیداً"، به معنای چیزی است که در آن خیری نباشد، "نبات نکد"، به معنای گیاه کم و بی‌فایده می‌باشد. اگر با دید وسیع به این آیه بنگریم، شاید بتوان یکی از مصادیق سرزمین پاک را که محصول پاک می‌دهد، خانواده پاک بدانیم» (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۸۸). همچنین علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، آورده است: «این آیه صرف‌نظر از انضمامش به آیهٔ قبلی، به منزلهٔ مثال عامی است که می‌رساند که اعمال حسنه و آثار ارزنده از گوهر پاک سرچشمه می‌گیرد، و خلاف آنها از خلاف آن» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۰۰).

گوهر پاک بباید که شود قابل فیض و رنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود بنابراین، می‌توان خانواده را به عنوان اساسی‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها در نظر گرفت. صالح و معتقد بودن خانواده، منجر به تولد فرزندان پایبند به اصول و ارزش‌ها می‌شود و نتیجهٔ آن، داشتن جامعه‌ای صالح خواهد بود؛ چراکه «توقع یک جامعهٔ صالح بدون اصلاح نظام خانواده کاملاً بی‌جا و خلاف حقیقت است» (انصاریان، ۱۳۸۰، ص ۴).

همچنین خداوند در آیهٔ ۶ سورهٔ «تحریم» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانوادهٔ خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگاه دارید.

در تفسیر این آیه آمده است: «نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ‌بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۲۸۷).

این آیه به صراحت بیان می‌دارد که فرد، هم مسئول خود و هم مسئول خانوادهٔ خویش است. از این رو، در

می‌شود یا از دوران نوزادی؟ در دوران بارداری شروع می‌شود یا در حین انعقاد نطفه؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: تربیت فرزند سال‌ها پیش از تولد فرزند آغاز می‌شود؛ به این معنا که کلیه رفتارهای پدر و مادر و بلکه پدربزرگها و مادربزرگها در تربیت فرزند و روحیات فرزند تأثیرگذار است و هر کدام از اتفاقات و رویدادهای قبل از تولد فرزند که در زندگی پدر و مادر رخ می‌دهد می‌تواند در تربیت فرزند مؤثر باشد. بنابراین، اگر کسی می‌خواهد صاحب فرزند سالم و صالح شود، باید سال‌های قبل از ازدواج نیز اعمال و رفتار خود را کنترل کند.

در زیارات وارده برای اهل بیت (علیهم‌السلام)، می‌خوانیم: «أشهدُ أنكم كنتم في الاصلابِ الشامخه و الأرحامِ المٌطهره.» این عبارت بیانگر این است که اهل بیت (علیهم‌السلام) در طول نسل‌های قبل از خود دارای پدران و مادران پاک و عاری از شرک بوده‌اند. این مطلب تأییدکننده بحث‌های پیشینی می‌باشد که تربیت فرزند متأثر از رفتارهای آبا و اجداد نیز هست و این همان امری است که از آن به «قانون وراثت» تعبیر می‌شود. «اسلام نیز برای همین قانون وراثت و برای تربیت اولاد شالوده‌ریزی کرده است؛ یعنی برای مقدمه تربیت و قبل از انعقاد نطفه دستورهایی داده است» (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

از این رو، زن و مرد قبل از ازدواج و قبول مسئولیت تربیت انسانی دیگر، باید به تربیت خود پردازند و به عنوان دو انسان، در اصلاح و تزکیه خود کوشا باشند تا بعد از قرار گرفتن در کنار هم، نقش خود را در قبال فرزندان خود به خوبی ایفا کنند. انسان مسلمان در مرحله نخست، مسئول اصلاح خویش است و در وهله دوم، مسئول اصلاح دیگران؛ چراکه اصولاً تا فرد خود را اصلاح نکرده باشد، نمی‌تواند در اصلاح دیگران به طور حقیقی موفق باشد.

اینجا به نقش مؤثر خانواده چه قبل از تولد فرزند و چه بعد از آن، از نظر آیات الهی، اشاره خواهد شد.

در تأکید بر نقش والدین بر تربیت فرزندان، داستان مادرشدن حضرت مریم (علیها السلام) که در قرآن آمده است، ذکر می‌گردد: «هنگامی که کودک معصوم مریم (علیها السلام) متولد می‌شود، برای مردم شگفت‌انگیز است؛ چراکه چگونه ممکن است مریم کودک نامشروع به دنیا بیاورد درحالی که پدر و مادر مریم هیچ‌کدام بد و آلوده دامان نبودند؟!» (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵).

«(مریم) او را در آغوش گرفته، به سوی قومش آمد. گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!» (مریم: ۲۷ و ۲۸).

«مردم، مریم (علیها السلام) را به برادر و پدر و مادرش مقایسه می‌کنند. دختری که برادری غیرتمند چون هارون و پدر و مادر شرافتمند و پاکدامن دارد، چگونه ممکن است از جاده عفاف و احسان خارج شده باشد؟!» (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵).

مقایسه کردن فرزند با خانواده‌اش، نشان‌دهنده این است که از خانواده خوب، انتظار فرزند نیکو می‌رود. و این، نقش مهم و اثرگذار خانواده را بر تعلیم و تربیت فرزندان می‌رساند.

الف. پیش از ازدواج

۱. خودسازی و اصلاح زن و مرد

شاید این سؤال برای بسیاری از افراد مطرح باشد که تربیت فرزند از چه زمانی شروع می‌شود و والدین از چه موقعی باید خود را برای تربیت او آماده کنند و مقدمات لازم را فراهم کنند؟ آیا تربیت از آغاز سن بلوغ شروع می‌شود یا از دوران نوجوانی؟ از دوران کودکی شروع

تغذیه‌ای بهشتی رشد می‌کند، مسلماً فرزندی همچون عیسی علیه السلام پا به عرصه وجود می‌گذارد.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت: خودسازی زن و مرد و توجه به عوامل مزبور، حتی قبل از ازدواج، حایز اهمیت فراوان است؛ چراکه این عوامل در تربیت آینده فرزند نقش دارد.

بنابراین، توجه به تک‌تک عوامل مؤثر بر تربیت، در دوران قبل از ازدواج ضرورت دارد؛ زیرا زمینه‌ساز تربیت نسل آینده می‌شود.

۲. انتخاب همسر مناسب و هم‌شأن

زن و مرد، دو رکن اساسی کانون مقدس خانواده هستند که پایه و اساس خانواده بر آنها شکل می‌گیرد. برای داشتن فرزند صالح، انتخاب همسر نیکو و صالح بسیار مهم است. قرآن کریم در آیاتی به این نکته اشاره کرده است؛ آیاتی که مردان و زنان پاک را، و مردان و زنان مشرک و ناپاک را از آن هم می‌داند. در کنار هم قرار گرفتن مردان و زنان پاک، و با هم بودن مردان و زنان ناپاک، دلیل قطعی و مسلم بر تناسب آن و رعایت این تناسب‌هاست.

در آیه ۲۲۱ سوره «بقره» می‌خوانیم: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا... وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا﴾؛ و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید... و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند در نیاورید!

«ازدواج با همسران غیر مؤمن، می‌تواند تأثیر منفی بر تربیت فرزندان و نسل آینده انسان بگذارد» (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۶)؛ چراکه مهم‌ترین هدف از زناشویی، به وجود آوردن خانواده‌ای است که در ساختن اجتماع و پرورش نسل آینده شرکت جوید؛ از این رو، لازم است که زن و شوهر را بر اساس این هدف و بنا بر شایستگی ایمانی

خداوند متعال هم در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ (مائده: ۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آوردید، مراقب خود باشید.

همچنین می‌فرماید: ﴿اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؟

این دو آیه، اهمیت توجه به نفس و اصلاح آن را می‌رساند. انسان در تزکیه خود باید به عواملی همچون رزق حلال، محیط سالم، الگو و سرپرستی مناسب و نیکو توجه داشته باشد.

در قرآن کریم در مورد نحوه تربیت حضرت مریم علیها السلام آمده است: ﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران: ۳۷)؛ پس خداوند او را به خوبی قبول کرد و به نیکویی پرورش داد و زکریا را سرپرست او کرد. هرگاه زکریا به محراب نزد مریم می‌شد، نزد او روزی می‌یافت و می‌گفت: ای مریم! این از کجا برایت آمده؟ مریم می‌گفت: این از طرف خداست که خدا هر که را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد. در این آیه، عوامل پرورش و تربیت حضرت مریم علیها السلام بیان شده است؛ کسی که قرار است روزی مادر پیامبری از پیامبران اولوالعزم یعنی حضرت عیسی علیه السلام گردد.

در تفسیر آیه مزبور آمده است: عوامل مؤثر در تربیت عبارتند از: «روح پاک مادر: ﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ﴾، جسم سالم: ﴿نَبَاتًا حَسَنًا﴾، تعلیم و تربیت الهی: ﴿كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا﴾، تغذیه پاک: ﴿وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾ (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۳).

آری، از مادری همانند مریم، که محیط تربیتی فرزندش مسجد است و سرپرستی همچون زکریای پیامبر دارد و با

ب. بعد از ازدواج

۱. پیش از تولد

۱-۱. تقویت خودسازی و تزکیه بیشتر خود: همان‌گونه که پیش از ازدواج توصیه به اصلاح طرفین می‌شود، بعد از ازدواج و پیش از تولد فرزند، این تزکیه و پاک‌سازی نیز باید ادامه یابد؛ چراکه وظیفه زن و شوهر سنگین‌تر می‌شود و باید آمادگی پذیرش مسئولیت پرورش و تربیت انسان دیگری را داشته باشند که این خودسازی با توجه به عواملی که پیش‌تر گفته شد، مؤثرتر می‌افتد.

ذکر داستانی در همین زمینه، اهمیت موضوع فوق را بهتر مشخص می‌کند: ملا محمد تقی مجلسی در تربیت فرزند خود (محمدباقر) اهتمام فراوان داشت. شبی با فرزند خویش برای نماز و عبادت به مسجد جامع اصفهان رفت. ایشان چون در سنین کودکی بود، در حیاط مسجد مشغول به بازی می‌شوند و در حین بازی مشک آبی را با سوزن سوراخ می‌نماید و آب را بر زمین می‌ریزد. پس از پایان نماز پدر ایشان از مسجد بیرون می‌آیند و با دیدن آن صحنه ناراحت می‌شوند. دست فرزند را می‌گیرند و به سوی منزل به راه می‌افتند. در خانه، همسرشان را می‌طلبند و رو به ایشان می‌گویند: می‌دانید که من در تربیت فرزندم دقت فراوان داشته‌ام. امروز عملی از او دیدم که مرا به فکر واداشت. با اینکه در مورد غذایش دقت کرده‌ام که از راه حلال به دست بیاید، نمی‌دانم به چه دلیل دست به این عمل زشت زده است. و از همسرش می‌خواهد تا در اعمال خود نظر کند و ببیند چه عملی انجام داده است که به این نتیجه منجر شده است. همسر ایشان پس از تفکر می‌گوید: وقتی محمدباقر را در رحم داشتم، یک بار به خانه همسایه رفتم، درخت اناری که در خانه ایشان بود توجه مرا جلب کرد، سوزنی را در یکی از انارها فرو بردم و مقداری از آب آن را چشیدم» (ابراهیمی اقلیدی، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

برگزینیم تا بتوانند این هدف را نیکوتر به انجام برسانند. خداوند در آیه‌ای دیگر از قرآن، به روشنی، به کفو و هم‌شان بودن همسران اشاره کرده است: ﴿الْخَيْرَاتُ لِلْخَيْرَاتِ وَالْخَيْرَاتُ لِلْخَيْرَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾ (نور: ۲۶)؛ زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. زنان پاک قابل مردان پاکند و مردان پاک لایق زنان پاک؛ چون سنخیت و توافقی روحی و اخلاقی در ازدواج شرط است و باید رعایت شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از طایفه و عشیره پاکدامن و نیکوکار و خوش اخلاق همسر انتخاب کنید، به درستی که عرق (ژن) در فرزندان اثر خواهد گذاشت» (ارگانی بهبهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «السعيد من سعد في بطن امه و الشقي من شقي في بطن امه» (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۲).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «فرزند، ساخته شده مادر است» (حاج شریفی، ۱۳۸۶، ص ۳۳). «علت اینکه اسلام این همه در نحوه انتخاب همسر دقت دارد، مسئله تولد کودکان است. همچنان‌که امراض جسمی، نظیر سل و...، از راه وراثت از مادر به طفل منتقل می‌شود، انحرافات روحی و اخلاقی و صفات زشت نیز به کودک انتقال می‌یابد» (ارگانی بهبهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). از این رو، قبل از تشکیل خانواده، باید به این نکات توجه شود؛ زیرا خانواده‌ای می‌تواند ارزش‌های اسلامی و قرآنی را منتقل کند که بر اساس همان ارزش‌ها شکل گرفته باشد. خانواده‌ای که متشکل از همسران مؤمن و پاک است و به ایمان، اصالت و ارزش می‌دهد، فرزندان خود را نیز براساس همان ارزش‌ها تربیت کرده و وارد جامعه می‌نماید.

ارزش‌ها را در رفتار و گفتار آنها می‌بیند و سرمشق می‌گیرد. کودک استعداد فطری و آمادگی ذاتی فراوانی برای یادگیری و تربیت دارد. پدر و مادر اولین سرمشق و الگو برای رفتار کودکان هستند. کودکان با مشاهده رفتار والدین، آن را الگوی رفتار خود قرار می‌دهند و از آن تبعیت می‌کنند. بدون تردید، اگر الگو و سرمشق، یعنی والدین، دارای رفتار مناسبی باشند، رفتار کودک درست شکل می‌گیرد. اسلام بر این امر که سرمشق‌ها باید دارای رفتار خوبی باشند تأکید می‌کند. هم در قرآن و هم در روایات، به نقش الگو بودن والدین اشاره شده است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ (طور: ۲۱)؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «رفتار کودکان در اثر خوبی‌های رفتار والدین آنها حفظ و نگاه‌داری می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۴).

نیز امام سجاده علیه السلام خطاب به والدین می‌فرماید: «حق فرزندان بر تو این است که بدانی او از توست و نیک و بد این جهان‌ش به تو بستگی دارد، و تو نسبت به تربیت درست و راهنمایی‌اش به سوی خدای عزوجل و یاری‌اش در مسیر طاعت خدا مسئولی. درباره‌اش چنان کوشش نما که بدانی رفتار نیکت نسبت به پاداش، و رفتار بدت نسبت به او کیفر دارد» (حاج شریفی، ۱۳۸۶، ص ۹). حضرت ابراهیم یکی از پیامبران بزرگ الهی است که آیات متعددی از قرآن در مورد ایشان نازل شده است. ایشان خود معتقد و عامل به ارزش‌ها بودند: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (نحل: ۱۲۰)؛ همانا ابراهیم (به‌تنهایی) یک امت بود، در برابر خدا خاضع و فرمان‌بر و حق‌گرا بود، و از مشرکان نبود.

۱-۲. دعا برای داشتن فرزند صالح: اما کار زن و شوهر در این مرحله تمام نمی‌شود، بلکه آنها باید، علاوه بر تزکیه و تقویت ایمان خود، از توفیقات الهی، برای داشتن فرزند نیکو مدد گیرند؛ چراکه همه توفیقات و نیکی‌ها به دست خداست. آنها علاوه بر تلاش و کوشش در زمینه‌سازی صحیح و ارزشی برای تولد فرزند، باید از خداوند متعال هم کمک بگیرند تا او را از خطرات و وسوسه‌ها مصون دارد. دعا در اینجا نقش مؤثری دارد. آیات فراوانی از قرآن، دعای والدینی را ذکر می‌کند که داشتن فرزند صالح را از خداوند متعال خواستارند.

برای مثال، می‌توان به آیات زیر رجوع کرد:
- ﴿وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي﴾ (احقاف: ۱۵)؛ و فرزندان مرا صالح کن.
- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ (ابراهیم: ۴۰)؛ پروردگارا! مرا برپاکننده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز چنین کن. پروردگارا! دعای (ما را) بپذیر.

- ﴿رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾ (بقره: ۱۲۸)؛ پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرار ده و از نسل ما امتی که تسلیم تو باشند قرار ده.
امام سجاده علیه السلام نیز برای داشتن فرزندانی صالح این‌گونه دعا می‌کنند: «خدایا! بر من منت گذار و فرزندانم را نگاه‌داری کن و آنان را برای من شایسته گردان و آنان را نیکوکاران پرهیزگار، صاحبان بینش و پندپذیران سربه راه خود قرار ده» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۶، دعای بیست و پنجم).

۲. بعد از تولد

۲-۱. رفتار والدین به عنوان الگو: بعد از به دنیا آمدن فرزند، نقش والدین مؤثرتر و سنگین‌تر می‌شود؛ زیرا فرزند از پدر و مادر خود الگو می‌گیرد و از آنها پیروی می‌کند،

ارزش‌های پدر و مادر دوگانگی و تعارض باشد، این تعارض و ناهماهنگی به درون و برون کودک نیز سرایت می‌کند و او را بر سر دو راهی انتخاب سرگردان می‌گذارد که شاید انتخاب او، سرانجام خوشی را برای او رقم نزند. ذکر نکته‌ای در اینجا ضروری به نظر می‌رسد و آن این مطلب است که عامل بودن خانواده به ارزش‌ها، نه تنها عامل برای تربیت است، بلکه زمینه‌ای است برای تربیت صحیح فرزندان؛ چراکه عوامل فراوان دیگری، از جمله دوست و هم‌نشین، در شکل‌گیری شخصیت فرزندان نقش دارند. والدین باید به روابط اجتماعی فرزندان خود توجه فراوان داشته باشند. این مطلب با توجه به داستان فرزند حضرت نوح علیه السلام مهم جلوه می‌کند؛ فرزندى که در دامان پدری همچون نوح پرورش یافت، اما هم‌نشینی با دوستان بد او را گمراه کرد و به هلاکت رساند.

قرآن نیز در آیاتی به نقش اثرگذار هم‌نشین اشاره می‌کند؛ از جمله:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران: ۲۸)؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» (مائده: ۵۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ» (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، (دوست و) همراز مگیرید.

قرآن کریم، در خصوص اینکه باید در انتخاب دوست دقت کرد، می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ» (نساء: ۸۹)؛

در پرتو تعلیمات چنین پدری، فرزندى همچون اسماعیل رشد یافت که در امر احیای ارزش‌ها کمک‌کار پدر بود: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (بقره: ۱۲۷)؛ و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم، پایه‌های خانه (کعبه) را با اسماعیل بالا می‌برد (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی.

این پیروی از والدین، تنها شامل اهل ایمان نمی‌شود، بلکه در آیاتی از قرآن نیز آمده است که اهل کفر و بت‌پرستان نیز برای توجیه بت‌پرستی خود، پیروی از پدران را ذکر می‌کردند؛ مثل این آیه: «وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا» (مائده: ۱۰۴)؛ و هنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، می‌گویند: آنچه را از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است.

نیز می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ» (نعمان: ۲۱)؛ و هر گاه به آنان گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده پیروی کنید، گویند: بلکه ما آنچه را پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی خواهیم کرد. آیا اگر شیطان آنان را به عذاب فروزان فرا خواند (باز هم باید از او تبعیت کنند)؟

همین تأثیر والدین بر کودکان، مهم‌ترین دلیلی است برای توجه به توصیه‌های اسلام برای پیش از ازدواج و انتخاب همسر شایسته. وقتی قرآن سفارش می‌کند با هم‌شان خود ازدواج کنید، به خاطر تأثیر فراوان والدین بر تربیت فرزندان است. کودکی که در خانواده‌ای رشد یافته که پدر و مادر هر دو به ارزش‌ها اهمیت می‌دهند و عامل به آنها هستند، تربیتی اسلامی و الهی خواهد داشت. ولی اگر والدین به ارزش‌ها اهمیت ندهند و یا بین باورها و

عمل به ارزش‌ها و مراقبت از روابط آنها، دعوت و امر فرزندان به اقامه آنهاست، که در ادامه، به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود.

۲-۲. دعوت فرزندان به احکام الهی در طول عمر: والدین، علاوه بر ترویج ارزش‌ها به صورت عملی، باید به صورت زبانی و گفتاری هم، به این کار مبادرت ورزند.

حضرت اسماعیل علیه السلام فرزندان خود را امر به نماز و زکات می‌کردند: ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ (مریم: ۵۵)؛ او همواره خانواده خود را به نماز و زکات دعوت می‌کرد.

در تفسیر این آیه آمده است: «نخستین مرحله برای تبلیغ رسالت، شروع از خانواده خویشان است، که از همه به انسان نزدیک‌تر می‌باشند؛ به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نخست دعوت خود را از خدیجه همسر گرامی‌اش و علی علیه السلام پسر عمویش شروع کرد و سپس طبق فرمان ﴿وَإِنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾، به بستگان نزدیکش پرداخت» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۹۶).

این آیات نیز به همین مطلب اشاره دارند: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ﴾ (طه: ۱۳۲)؛ و خانواده خود را به نماز دستور ده.

﴿يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان: ۱۷)؛ پسر! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد بااستقامت و شکیبا باش که این از کارهای مهم و اساسی است.

۲-۳. وصیت به فرزندان به احکام الهی در هنگام مرگ: پیامبران بزرگ الهی، حتی در پایان عمر خود، از ترویج و اشاعه و توجه نمودن به ارزش‌های بنیادین دست نمی‌کشیدند: ﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (بقره: ۱۳۲)؛ ابراهیم و

همان‌گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند (که شما نیز) کافر شوید، تا با هم برابر باشید. پس زنه‌ار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار مکنید.

نقش مؤثر دوست و همنشین در شکل‌گیری شخصیت انسان، قابل انکار نیست. همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «انسان بر دین دوستش است» (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۵).

داستان زیر سرگذشت دو دوست در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می‌کند: در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو نفر دوست در میان مشرکان به نام عقبه و ابی بودند. هر زمان عقبه از سفر می‌آمد، غذایی ترتیب می‌داد و اشراف قومش را دعوت می‌نمود. در این حال، دوست داشت به محضر پیامبر برسد، هرچند اسلام را نپذیرفته بود. روزی از سفر آمد و طبق معمول ترتیب غذا داد و دوستان را دعوت نمود. همچنین از پیامبر نیز دعوت نمود. هنگامی که سفره را گشودند و غذا حاضر شد، پیامبر فرمود: من از غذای تو نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من بدهی! عقبه شهادتین را بر زبان جاری کرد.

این خبر به گوش دوستش ابی رسید و گفت: ای عقبه! از آیینت منحرف شدی؟ او گفت: نه به خدا سوگند من منحرف نشدم. ولکن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غذای من بخورد جز اینکه شهادتین بگویم. من از این شرم داشتم که او از سفره من برخیزد بی آنکه غذا خورده باشد، لذا شهادتین را گفتم. ابی گفت: من هرگز از تو راضی نمی‌شوم مگر اینکه در برابر او بایستی و سخت توهین کنی! عقبه این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام در جنگ بدر در صف کفار به قتل رسید و ابی هم نیز در جنگ احد کشته شد» (قنبری، ۱۳۸۴، ص ۱۸۶).

بنابراین، با توجه به نقش محیط در تربیت و انتقال ارزش‌ها، یکی از مهم‌ترین وظایف پدر و مادر، علاوه بر

بسیار مؤثری در این زمینه ایفا می‌کنند. از این رو، توصیه‌های قرآن به زن و مرد شامل تمامی مراحل زندگی آنها، چه قبل از ازدواج و در انتخاب همسری شایسته و متقی، (چراکه والدین هم انتقال‌دهنده صفات ظاهری و هم باطنی به فرزندان خود هستند) و چه بعد از ازدواج، برای تهذیب و ترکیه خود و همچنین توجه به نقش الگویی والدین برای فرزندان می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت: قرآن در راستای رسیدن به تربیت صحیح و داشتن خانواده و در نتیجه، جامعه‌ای اسلامی و پایبند به ارزش‌های صحیح، پیش از هر چیز توصیه به خودسازی خود والدین دارد؛ چراکه خانواده‌ای می‌تواند در تعلیم ارزش‌ها و اخلاق حسنه تأثیر بسزایی داشته باشد که خود معتقد و عامل به آن ارزش‌ها باشد. قرآن کریم، سپس توصیه به ساختن محیطی سالم برای پرورش فرزندان صالح می‌کند. از این رو، وظیفه والدین بعد از به دنیا آمدن فرزندان سنگین‌تر می‌شود؛ زیرا والدین نقش الگو و مراد را برای فرزندان خود بازی می‌کنند. و در همین زمینه است که توصیه‌های قرآنی جدی‌تر و عملی‌تر می‌شود؛ از این رو، هم باید خود عامل به ارزش‌ها باشند و هم فرزندان را ترغیب و تشویق و در مواردی امر به احیای ارزش‌ها کنند. این امر، هم شامل زمان حیات می‌شود و هم ممات، که به صورت وصیت و سفارش اکید، نمود پیدا می‌کند.

یعقوب فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند: فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام نمیرید).

از این نمونه وصیت‌ها در سیره معصومان علیهم‌السلام نیز دیده می‌شود. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در سفارشی به حسنین علیهم‌السلام (بعد از ضربت خوردن) این‌گونه می‌فرماید: «شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، به دنیاپرستی روی نیاورید، حق را بگویید و برای پاداش الهی عمل کنید. شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانان سفارش می‌کنم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، نامه ۴۷).

خلاصه اینکه می‌توان گفت: خانواده به عنوان اولین مکانی که انسان در آن پا می‌گذارد و رشد می‌یابد، نقش فوق‌العاده مهمی در انتقال ارزش‌ها و به تبع آن، تربیت دارد؛ از این رو، توجه به تشکیل خانواده‌های پاک و سالم و پیرو ارزش‌های قرآنی اهمیت فراوان دارد.

نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت و عوامل مرتبط به آن، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر فرد و جامعه‌ای است. از جمله عناصر مهم در نظام تعلیم و تربیت، محتوا و مربی است. انتخاب محتوای صحیح و مناسب برای تربیت، و همچنین توجه به مربیان و الگوهای تربیتی، از جمله مواردی است که مورد توجه هر مکتب تربیتی است. کتاب مقدس قرآن به عنوان معتبرترین منبع تربیتی و هدایتی مکتب اسلام، به دو بعد محتوا و مربی توجه فراوان نموده است. از منظر قرآن کریم، محیط خانواده به عنوان اساسی‌ترین و مهم‌ترین محیط تربیتی قلمداد می‌شود که والدین نقش

فرائی، محسن، ۱۳۸۶، *تفسیر نور*، چ چهارم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱.

—، ۱۳۸۶، *تفسیر نور*، چ چهارم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۲.

—، ۱۳۸۶، *تفسیر نور*، چ چهارم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۴.

قنبری، حیدر، ۱۳۸۴، *داستان‌های شگفت‌انگیزی از تربیت فرزندان*، قم، منشور و حی.

کوهستانی، حسینعلی، ۱۳۷۱، «نقش خانواده در تربیت فرزندان»، *پیوند*، ش ۱۵۸، ص ۳۰-۲۹.

مدبرعزیزی، غلامرضا، ۱۳۷۵، «نقش خانواده در تربیت دینی»، *تربیت*، ش ۱۰۹، ص ۲۴-۲۷.

مظاهری، حسین، ۱۳۸۵، *تربیت فرزند از نظر اسلام*، چ پنجم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ فارسی*، چ چهارم، تهران، اشجع.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، *تفسیر نمونه*، چ بیست و نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نیکزاد، محمود، ۱۳۷۵، *کلیات فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، کیهان.

همت‌بناری، علی، ۱۳۷۸، «امام علی علیه السلام و تربیت فرزند»، *فرهنگ کوثر*، ش ۳۴، ص ۱۵-۱۸.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.

صحیفه سجاده، ۱۳۸۶، ترجمه محمد مهدی رضایی، چ دوم، قم، جمال.

ابراهیم‌زاده، عیسی، ۱۳۸۶، *فلسفه تربیت*، چ چهارم، تهران، دانشگاه پیام نور.

ابراهیمی اقلیدی، علی، ۱۳۸۹، *اصول فرزندداری*، قم، تهذیب.

احمدی، سیداحمد، ۱۳۸۰، *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

ارگانی بهبهانی حائری، محمود، ۱۳۸۶، *فرهنگ تربیت فرزند در اسلام*، چ چهارم، قم، پیام مهدی (عج).

اسلاملو، نعیمه و همکاران، ۱۳۹۰، *نسل نور: تربیت کودک*، چ پنجم، کرج، تلاوت آرامش.

انصاریان، حسین، ۱۳۸۰، *نظام خانواده در اسلام*، چ شانزدهم، قم، ام‌ابیه.

باهنر، ناصر، ۱۳۸۸، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*، چ دهم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

بهشتی، احمد، ۱۳۸۸، *خانواده در قرآن*، چ یازدهم، قم، بوستان کتاب.

بیگی، روح‌الله، ۱۳۸۹، *ارزش‌های اجتماعی در قرآن*، قم، اسوه.

حاج شریفی خوانساری، محمدرضا، ۱۳۸۶، *حقوق فرزندان بر والدین*، قم، بنی‌الزهراء.

خلیفه، عبدالطیف محمد، ۱۳۷۸، *بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها*، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی.

رستمی‌نسب، عباسعلی، ۱۳۸۸، *فلسفه تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

شهری، زکيه، ۱۳۹۱، *نقش و مسئولیت اشتراکی و اختصاصی پدر و مادر در تربیت فرزندان*، خراسان، حوزه علمیه خراسان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۸۶، *نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی - تربیتی*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

عیسی‌زاده، عیسی، ۱۳۹۰، *خانواده قرآنی*، قم، بوستان کتاب.